



مشاهده رفتار کودکان

برای پی بردن به اهمیت این موضوع ما در این مقاله کوتاه به طور مختصر به شرح سه مورد از مشاهدات رفتاری کودکان می پردازیم:

- ۱- مشاهده بازیهای کودکان
- ۲- مشاهده کارهای دستی کودکان
- ۳- مشاهده فعالیتهای جمعی کودکان

۱- مشاهده بازیهای کودکان

در مراکز تربیتی دو نوع بازی وجود دارد یکی بازیهای فردی و دیگری بازیهای گروهی. در بازیهای فردی کودک با اسباب بازیهای

مشاهده رفتار کودک آنهم مشاهده دقیق و عمیق از وظایف مهم مربیان در مراکز تربیتی است. مشاهده رفتار به مربیان این امکان را می دهد که شناخت نسبتاً دقیقی از میزان توانائیها، استعدادها، علائق و نیایلات کودک بدست آورند و نسبت به رشد شخصیت کودک در ابعاد جسمانی، عاطفی، اجتماعی و عقلانی آگاه گردند. این آگاهی و شناخت که ناشی از مشاهده دقیق و آزمون واقعی کودک است مقدمه وصول به اهداف تربیتی است. عدم توجه به این اصل مهم ما را در جریان تعلیم و تربیت ناموفق خواهد گرداند.

مثلاً " بازی قدیمی " بگرد و پیدایش کن " که کودکی با چشم بسته باید شیئی را پیدا کند می‌تواند حالت‌های مختلف تماشاچیان را برانگیزاند . مثلاً " کودکانی که دارای ناراحتی روانی نیستند و از سلامت جسمانی کافی برخوردار می‌باشند در تشویق فردی که دنبال شیئی می‌گردد و ابراز احساسات ، بسیار فعال هستند . در حالیکه در این مواقع هیجان‌انگیز کودکانی نیز مشاهده میشوند که هیچ احساسی از خود نشان نمیدهند و یابسیار کم فعال هستند .

در بازیهای گروهی کودکان نقش‌های مختلفی را بازی می‌کنند و همین باعث رشد اجتماعی آنان شده ، برخوردها و ارتباطات اجتماعی را می‌آموزند . کودک بدون بازی با کودکان دیگر فردی خودخواه ، خودبین و فرمانده بار می‌آید ولی از راه بازی با دیگران ، چگونگی ارتباط و برخورد ، روش همکاری و تعاون ، دادن و ستاندن و وارد ساختن شخصیت خود در گروه را می‌آموزد . کودک در بازی با دیگران یاد می‌گیرد که چگونه می‌تواند در جامعه ارتباط انسانی برقرار سازد و مشکلات و نارسائیهای مربوط به روابط اجتماعی را حل نماید .

در بازیهای گروهی گاهی مناقشاتی بین کودکان بروز می‌کند که این مناقشات در مواقع مختلف دارای شدت و ضعف می‌باشند . و مربی باید آنقدر حاذق و مجرب باشد که با دخالت خود در نزاع‌های کودکان مشکلات آنان را مضاعف ننماید .

مشاهده رفتار کودکان در بازیهای مختلف می‌تواند مربی را در شناخت حالات روانی آنان یاری دهد . در جریان این بازیها کودکان تندخو و پرخاشگر ، کودکان افسرده و گوشه نشین کودکان مغرور و خودپسند ، کودکان متواضع و

مخصوص سرگرم میشود . در این نوع بازیها مشاهده شده است که کودکان از دخالت دیگران در بازیشان خرسند نمیشوند و بعضی‌ها بشدت عصبانی و دچار ناراحتی و اضطراب می‌گردند . گاهی دخالت بزرگترها در بازی کودکان آنان را از ادامه بازی منصرف می‌نماید . همچنین مشاهده شده است بجههائی که از نظر رشد اجتماعی و رشد عاطفی دچار اختلالاتی هستند و در این ابعاد کاملاً " ارضاء نشده‌اند بیشتر به بازیهای فردی روی می‌آورند ، و کمتر در بین همسالان خود اظهار وجود می‌نمایند .

در بازیهای جمعی و گروهی میزان فعالیت و رشد اجتماعی کودکان قابل مشاهده است . در بازیهای گروهی که در مراکز تربیتی صورت می‌گیرد معمولاً " مربی بعنوان شاخص بازی دخالت دارد . به جهت اهمیت و ارزش بازی بسیاری از اندیشمندان تعلیم و تربیت اعتقاد دارند که مربیان باید تربیت و تدریس خود را به شکل و قالب بازی در آورند که می‌توان برای نمونه ارخانم "مونتسوری" MARIA-MONTESSORI روانپزشک و مربی معاصر ایتالیائی نام برد .

آنچه که در روش تعلیمی مونتسوری بچشم می‌خورد وجود اسباب بازیهای آموزشی و پرورشی است که دانش آموزان شخصاً " در ضمن بازی با آنها تجربه یاد می‌گیرند ، به اعتقاد وی تمام کودکان باید زیر نظر مربی آزادانه و موافق میل و رغبت خویش بازی نمایند .

بنابراین بازی بهترین فرصت مشاهده برای شناخت رفتارهای عقلی و اطلاع از استعداد های دانش آموزان است .

میزان فعالیت کودکان در بازیهای گروهی متفاوت است ، بجههائی که از سلامت روانی بیشتری برخوردارند در این بازیها فعالترند .



بدست می‌دهد که مربی را قادر به برنامه‌ریزی اصولی و دقیق می‌نماید. اگر در مراکز تربیتی مشاهده شود که کودکی از بازی کردن اجتناب می‌ورزد فوراً باید به کشف علت و درمان آن پرداخت. کودکی که از بازی می‌گریزد از رشد سالمی برخوردار نیست و بیمار است. و این با مشاهدات دقیق مربیان قابل تشخیص است.

مشاهده کارهای دستی کودکان

ساختن کاردستی‌های مختلف یکی از فعالیت‌های پرطرفدار مراکز تربیتی است. مشاهده دقیق رفتار کودکان در ساختن کارهای دستی بسیاری از استعدادهای آنان را آشکار می‌سازد. خلاقیت‌ها، هنرنمائی‌ها، ظرافت کاری‌ها، ذوق و استعداد هنری و عواطف و احساسات در بسیاری از این فعالیت‌های دستی ظهور پیدا می‌کند. این فعالیت‌های دستی می‌توانند بازیها به دو صورت انفرادی و اجتماعی صورت می‌گیرند، و هرکدام از این دو صورت اهداف خاصی را

قانع، کودکان دارای اختلالات عاطفی و رفتاری کودکان شاداب و با محبت، کودکان خونگرم، خونسرد، بی‌رنکو... مشخص می‌شوند.

بازیهای مختلف فردی و گروهی هرکدام هدف خاصی را دنبال می‌کنند. علاوه بر اهداف اجتماعی که ذکر آن گذشت بعضی از بازیها اهداف جسمانی را در نظر دارند. کودک برای اینکه عضلات خود را پرورش دهد نیازمند به بازی می‌باشد. در مراکز تربیتی بازیهای ورزشی

بدین منظور برگزیده میشوند. مشاهده این بازیها میزان توانائی جسمانی کودک را مشخص می‌نماید. از مشاهده رفتار کودکان در این بازیها چنین استنباط میشود که میزان علاقه و رغبت کودکان به بازیهای ورزشی متفاوت است. مربی می‌تواند از این علائق هم برای رشد بدنی و هم رشد شناختی کودک استفاده نماید.

در هر صورت هرکدام از بازیها در یکی از ابعاد رشد جسمانی، ذهنی، اجتماعی، اخلاقی و غیره مؤثر است. مشاهده رفتار کودک در حین بازی، شناختی از میزان توانائی‌های وی را

دیگر واکنش کودکان نسبت به محرکی واحد متفاوت است. مشاهده این نوع فعالیتها استعدادهای هنری کودکان را مشخص می نماید. بعضی از کودکان توجهی به کارهای هنری و دستی ندارند، بعضی دیگر به شدت مشتاق و خواستار چنین فعالیتهایی هستند. مربی هم باید خواسته های کودکان هنرمند را ارضاء نماید و هم با فراهم ساختن زمینه مساعد و کشش و جذابیت کارهای دستی و هنری انگیزه های برای کودکان بی علاقه به این نوع فعالیتها فراهم سازد.

تحریک حس کنجکاوی کودک از راهبانیست که بوسیله آن می توان به طور غیر مستقیم کودک را نسبت به اموری که مورد علاقه اش نیست به فعالیت واداشت. کنجکاوی کودک، یکی از نیرومندترین پایه های تربیت اوست.

بعضی از کودکان در ساختن کاردستی های خویش توجهی به ظرافت کاری و آنچه که نیازمند به دقت بیشتر است ندارند، مشاهده دقیق اینگونه رفتار می تواند مربی را کمک نماید تا

دنیال می کنند. در کاردستی های انفرادی ابتداء کودک بیشتر به خودش است و سعی می کند از تمام نیروهای خویش برای هرچه بهتر ساختن کاردستی استفاده نماید کودک در این فعالیتها خویش را می آزماید و نسبت به توانائی های خود مطلع می گردد. بعضی از خصوصیات رفتاری که در بازیهای کودکان اشاره کردیم در اینجا نیز مصداق پیدا می کند. کودکانی که از رشد اجتماعی خوبی برخوردار نبوده اند ترجیح می دهند کار دستی را بصورت انفرادی تهیه نمایند و چندان از دخالت دیگران خشنود نمی شوند. گاهی این دخالتها با واکنش تلخ و عصبی کودک همراه است. کاردستی های گروهی نیز می توانند بسیار متنوع باشند. معمولاً در این فعالیتها کودکان ابتدائی یا راهنمائی به گروههای مثلاً ۳ نفره یا چهار نفره تقسیم می شوند و هر گروه با همکاری یکدیگر به ساختن اشکال مختلف می پردازند. در جریان رفتار متقابل کودکان با یکدیگر بسیاری از خصوصیات درونی آنها متجلی میگردد. رفتار کودکان در یک گروه یکسان نیست به عبارت





کودک را به دقت بیشتر در کاردستی خویش و تعمیم این دقت عمل در کل زندگی ترغیب نماید . از آنجائیکه رشد جسمانی کودک ابتدا متوجه عضلات قوی و بزرگتر است ، لذا عضلات انگشتان دیرتر از دیگر عضلات بدن رشد یافته و استحکام می یابند . اینست که کودکان خردسال در ساختن کارهای دستی ظریف دچار اشکالات بسیاری میشوند و قادر به انجام این کارها نیستند . سرزنتی کردن این کودکان و یا وادار کردن آنها به کارهای ظریف و لطیف ، آنان را دچار اضطراب کرده ، باعث ناهماهنگی روانی کودکان میشود .

با مشاهده رفتار کودک در ساختن کارهای دستی میتوان به میزان رشد شناختی و ذهنی آنان نیز پی برد . بعضی از کاردستیها نیازمند به تفکر و بکارگیری همه جانبه از حواس و هوش است . کودکانی که از بهره هوشی بیشتری برخوردار هستند می توانند اشکال پیچیده تری بسازند ، و یا در آنچه می سازند دقت بیشتری بنمایند . این کودکان در ساختن اشکال و مدل های مختلف کمتر دچار مشکلات میشوند . کودکان تیز هوش با یک بار توضیح مرئی می توانند مدل مورد نظر را بسازند ، ولی کودکانی که از رشد هوشی خوبی برخوردار نبوده اند مرئی را در توضیح بیش از اندازه خسته می نمایند ، اینست که اینگونه کودکان نیازمند به مرئی پرحوصله و کاردان می باشند .

۳- مشاهده فعالیت های جمعی کودکان

به غیر از کارهای دستی و بازی های گروهی که در مراکز تربیتی انجام می شود فعالیت های گروهی و اجتماعی دیگر نیز قابل اجراء است که

مشاهده رفتار کودک در این برنامه ها مرئی را به میزان رشد شناختی ، رشد اجتماعی ، رشد عاطفی و ... واقف می سازد . از جمله این برنامه ها می توان از اردوهای فرهنگی هنری یاد کرد .

بسیاری از خصوصیات و ویژگی های رفتاری کودکان در شرایط عادی قابل مشاهده نیستند برای مشاهده یک خصوصیت روانی و اخلاقی لازم است زمینه های بروز رفتار آن فراهم گردد . اردوهای مختلف علاوه بر اهدافی که در بردارند می توانند در ایجاد زمینه های مختلف برای تجلی پاره ای از خصوصیات رفتاری کودکان موثر باشند . مثلاً " برای تشخیر ، روح تعاون و همکاری کودکان نمی توان در شرایط عادی در

غدایشان را به تنهایی می خورند و اصلاً "توجه نمی کنند، که آیا دیگران هم غذا دارند یا خیر، و یا اصلاً" به این مسئله فکر نکرده، برای آن اهمیتی قائل نیستند. مسلماً "این وظیفه" مریست که بگونه‌ای غیر مستقیم و هنرمندانه و در جریان عمل به این مسائل اخلاقی و ضروری برای ادامه زندگی توجه نماید.

از دیگر فعالیت‌های جمعی کودکان که در مراکز تربیتی معمول است و مختصر ذکر آن خالی از فایده نمی باشد نشریه نگاریست. نشریه نگاری و تنظیم نشریه دیواری فعالیت‌های خاصی را در کودکان برمی انگیزد، معمولاً "کودکانی از این نوع فعالیت‌های گروهی استقبال می نمایند که دارای ذوق ادبی و هنری خاصی هستند. مشاهده این نوع رفتارها در جریان تهیه نشریه دیواری مری را در شناخت پاره‌ای از علائق کودکان یاری می دهد.

این برنامه برای کودکان دارای قریحه سرودن و طبع شعری انگیزه مناسبی است. نوشتن مقاله و تکه‌ها و لطیفه‌های ادبی نیز در نشریه دیواری جای می‌گیرد و کودکان را به نوشتن و سرودن وادار می سازد. نقاشی و رنگ آمیزی نشریه نیز، کودکان خاصی را جلب و جذب می‌نماید. در جریان این برنامه مشاهده می‌کنیم که عده‌ای از کودکان در نقاشی و رنگ آمیزی نشریه بسیار دقیق هستند و کارشان را بسیار ظریف انجام می دهند و عده‌ای چندان توجهی ندارند.

خوشنویسی نشریه نیز هنر دیگریست که همه کودکان از آن برخوردار نیستند و مدیریت نشریه از عهده همه کس ساخته نیست، معمولاً "مدیریت نشریه به عهده کودکانیست که قادر به

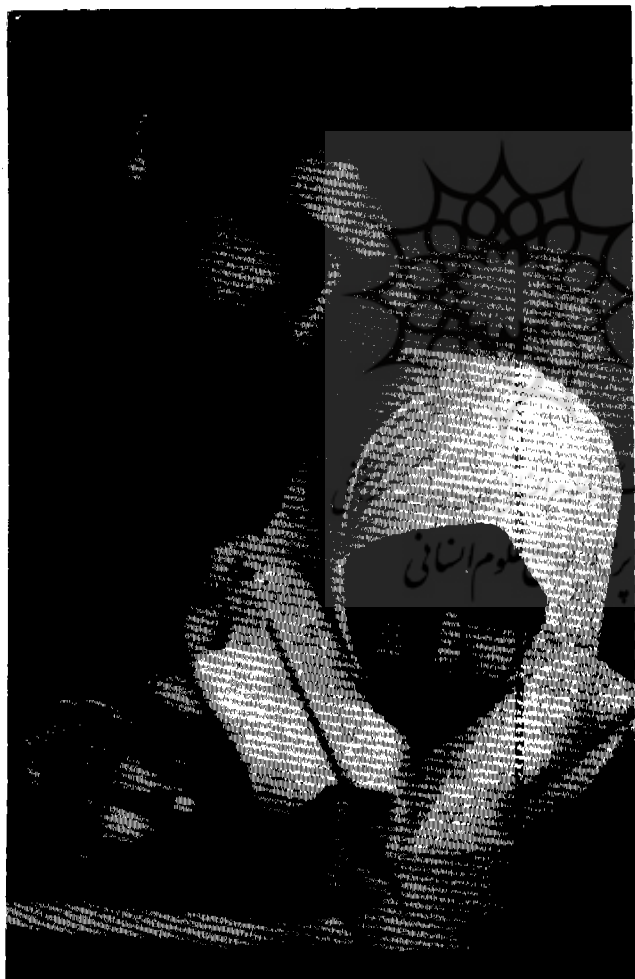
محیط مدرسه یا دیگر مراکز تربیتی بدان دست یافت. در اردوها، جهت ضرورت زندگی اجتماعی بخوبی می توان به میزان احساس مسئولیت و توانایی همکاری و همراهی کودکان پی برد.

فعالیت‌های گروهی و زندگی اجتماعی در اردوها و امثالهم این مزیت را دارد که خود محوری و خود مداری کودک را تعدیل می‌سازد. کودکی که در محیط خانه همه چیز را از آن خود می‌پندارد در این شرایط به وجود دیگران به عنوان کسانی که بمانند او حق زندگی دارند پی می‌برد و به رعایت حقوقشان گردن می‌نهد.

مشاهده دقیق و عمیق رفتار کودکان در اردوها تصدیق می‌کند که بعضی از کودکان از نظر رشد اجتماعی به مرحله نضج کامل رسیده و قادر به ارتباط سالم و منطقی با دیگر همسالان خود هستند و در برنامه‌های گروهی به راحتی شرکت می‌نمایند و بعضی از کودکان چندان سازگاری اجتماعی ندارند، عده‌ای خجالتی و عده‌ای به اصطلاح پررو و بی‌پرده اند، عده‌ای شاداب و سرحال و در عده‌ای نشانه‌های افسردگی مشاهده می‌گردد. عده‌ای داوطلب شرکت در برنامه‌های گروهی هستند و عده‌ای چندان تمایلی نشان نمی‌دهند. بچه‌های موفق بیشتر خواستار شرکت در مسابقات ورزشی یا فرهنگی، علمی هستند، ولی عده‌ای که تجربه خوبی از این مسابقات نداشته‌اند از شرکت در آنها شانه‌خالی می‌کنند.

بعضی از کودکان خود محور و خودخواه هستند و به راحتی خویش، بیش از دیگران توجه می‌کنند. مثلاً "در اردوهایی که بچه‌ها خودشان غذا همراه دارند، عده‌ای از کودکان

چگونه میتوان پیشرفت تحصیلی کودکان مکث کرد



کودک در طی مراحل مختلف رشد همانقدر که نیاز به استقلال فکری و علمی دارد، به همان میزان هم به کمک والدین خود نیازمند است. این نیاز با شروع دوران تحصیل محسوس تر می شود. اینجاست که اولیاء باید با علم و اطلاع و کاملاً آگاهانه به یاری کودک خود بشتابند. اما این مشارکت نباید به گونه‌ای باشد که طفل ضعیف و متکی به دیگران بار بیاید. بوجود آوردن اتکاء به نفس در کودک و ایجاد حس مسئولیت در او بهترین راه موفقیت آنان است. کمکهای اولیاء در یاد دادن مطالب درسی باید چنان باشد که کودک فکر کند این خود اوست که مشکلاتش را از پیش پایش برمی دارد. باید دانست که کودکان هم از داشتن استقلال احساس غرور می‌کنند.

توجه به موارد زیر می‌تواند عامل مؤثری در پیشرفت تحصیلی کودکان باشد:

الف) عادت دادن کودک به نظم و ترتیب در کارهای روزانه:

مسئله‌ای که کودکان و والدین آنها با شروع دوران تحصیل با آن مواجه می‌شوند، "زمان" انجام تکالیف درسی است. معمولاً کودکان از زمان برداشتی سطحی و تئوریک دارند. طفل موقعی به یاد انجام تکالیف مدرسه‌اش می‌افتد که

خستگیهای ناشی از بازی و شیطنت
 اورا اربا انداخته است. درچین
 هنگامی که کودک خسته و خواب -
 آلود مشغول سرهم بندی تکالیفش
 است، با غر زندههای والدینش
 روبرو می شود: " این چه وقته
 انجام تکالیف است... این همه
 وقت را چه می کردی؟... " اولیاء
 از همان روزهای اول تحصیل و
 حتی قبل از آن باید کودک خود
 را به نظم و انضباطی آگاهانه
 عادت دهند. مشروط بر اینکه
 چنین نظمی توأم با تنوع و خلافت
 باشد. انضباط خشک، طفل را
 خشن و عاصی بار می آورد.

ب) برخورد منطقی و مستدل با
 کودک

"کودک شما از نظر سنی کودک
 نیست، بلکه یک انسان است که
 هر چیزی را درک می کند." درک
 این نکته ظریف لزوم برخورد
 منطقی و مستدل با کودک را به
 خوبی توجیه می کند، کودکان
 معمولاً به چیزهایی توجه دارند
 که در نظر بزرگترها کم اهمیت و
 بی مورد جلوه می کند، الزاماً
 چنین توجهی سئوالات متعددی
 را در ذهن کودکان موجب می شود
 که گاه برای بزرگترها خنده آور
 و بی مفهوم است. والدین باید
 در جواب دادن به سئوالات
 کودکان و در برخورد با آنها توجه
 داشته باشند که ممکن است یک



برخورد غیر منطقی و یک حرف (ج) اولیاء نباید نقطه مقابل
 ناسنجیده در شخصیت کودکان
 اثر سو و پایداری داشته باشد. در کمک به تکالیف درسی
 مخصوص در تشویق و تنبیه (منظور اولیاء نباید نقطه مقابل معلمان
 تنبیه بدنی نیست) کودکان باید قرار گیرند، کوچک شمردن معلم و
 وسواس بیشتری نشان داد. کودک باید نادان جلوه دادن او در ذهن
 باید بداند که چرا تشویق و یا کودک نسبت به مربی و کتاب ایجاد
 تنبیه می شود. نتایجی که از تشویق تردید می کند. کودک مطالب
 و تنبیه های بی جا حاصل می شود درسی را فقط به این خاطر به
 بدتر از آن است که بتوان در دهی نمی سپارد که در کتاب
 نوشته شده است، بلکه بیشتر به اینجا ذکر کرد.



این جهت آن را قبول دارد که از زبان ساده و شیرین معلمش آموزش درمقاطع مختلف تحصیلی می‌شود. در مواردی ممکن است والدین هنگام بازدید کتابچه درسی کودک، در جواب پرسشی که توسط معلم داده شده، تردید کنند. در چنین مواقعی بهترین راه، مراجعه به مدرسه و مطرح کردن موضوع با معلم است. (روش تدریس امری است پویا و تجربی؛

کیفیت وضع تحصیلی دانش — روشها و طرق گوناگونی را ارائه می‌دهند. هر معلمی نیز با استفاده از تجربیات خود و با ارتقاء مهارت‌های شغلی خویش روشی دارد که مختص خود اوست. این مورد بیشتر در رسیدگی به مقدار تکلیفی که معلم تعیین کرده و هم چنین در روش تدریس ریاضی بروز می‌کند. در چنین مواردی والدین کودکان خود را متهم به دروغ‌گویی کرده و یا معلمان آنها را نسبت به کارشان کم‌علاقه و بی‌توجه به حساب می‌آورند. به‌طور مثال اکنون ناکسید بیشتری روی این مسئله می‌شود که تعیین تکلیف‌های سخت و طاقت — فرسا نه تنها در یادگیری عامل مؤثری نیست، بلکه موجب زدگی

به این معنی که نباید روشهای تدریس امروزی را با روش تدریسی که مثلاً بیست سال پیش مرسوم بوده، مقایسه کرد. امروزه، روان‌شناسان و علمای تعلیم و تربیت با تکیه بر یافته‌های عملی خود که مبتنی بر تجربه و آزمایش است، برای بهبود بخشیدن در

و فرار کودک از مدرسه هم می‌شود. معلم ممکن است روی شناختی که نسبت به دانش آموزان خود دارد برای هر یک مقدار معینی تکلیف تعیین کند، یا در مورد تدریس ریاضی که گاه والدین را سردرگم می‌کند، مسئله ملموس‌تر است که در جای خود خواهد آمد. والدین قبل از هرگونه پیش داوری نسبت به کار معلم باید بیشتر در جریان تغییر و تحولات نظام آموزشی قرار گیرند.

(ه) اولیاء باید با مطالب کتابهای درسی فرزندشان آشنا باشند؛ مطالبی که برای هر سال در نظر گرفته شده، همانطور و بی حساب و کتاب نیست. مطالب درسی در دوره پنج ساله ابتدائی متناسب با نیازهای سنی و روحی کودک و

گنجایش ذهنی اوست. والدینی (و والدین باید آموخته‌های بیرون از کلاس تعمیم دهند. که نسبت به تحصیل فرزندان خود اطفال خود را به بیرون از کلاس روشن است که اگر این گفتگوها علاقه بیشتری دارند، باید قبل تعمیم دهند؛
از هر چیزی از مطالبی که به همانطور که پیش از این آمد را جذب خواهد کرد.

فرزندشان آموخته می‌شود، مطلع والدین باید به طور غیر مستقیم (ن) مراجعه به مدرسه و جویاشدن باشند. مرور کردن کتابهای درسی در یادگیری مطالب درسی به از وضعیت تحصیلی کودکان؛
کودک، می‌تواند چنین اطلاعاتی کودکان خود کمکی کنند. اکنون مراجعه مداوم اولیاء به مدرسه را در اختیار آنها فرار دهد. توجه خاصی روی این موضوع و مشورت با معلمان و مربیان می‌شود که طفل آموخته‌های خود را صرفاً مشتکی مفاهیم مجرد و مسائل باشد. همیشه باید به خاطر ابتدائی آمده، هدف خاصی را انتزاعی که در چهارچوب تنگ داشت که معلم کودک شما، برای دنبال می‌کنند. والدین باید به کلاس محدود می‌شود، به حساب پیشرفت در کار خود که الزاما" به دور از هرگونه ساده نگری سعی نیاورد، بلکه بتواند، دانشی را که نفع فرزند شماست، همواره به کنند، هدفهای درسی را دریابند. فراموشی، در بیرون از مدرسه همفکری و همیاری شما نیازمنداست.

در اینجانباید به میزان تحصیلات بکار برد و بدین وسیله نیازهای و درجه علمی خود بالید. حتی روحی و جسمی را برطرف سازد. در تهیه این مقاله کتابهای درسی رشته آموزش ابتدایی مراکز معلمان مجرب هم که سالها در یک پایه تدریس کرده‌اند، خود را از کتابهای درسی فرزند خود بی‌نیاز از مطالعه کتابهای درسی کسب کرده‌اند، در گردشها و نمی‌دانند. برای آشنایی بیشتر مسافرتها، در خانه و خیابان در قسمت دوم این مقاله اشاره و به بهانه‌های مختلف باب مختصری به هدفهای درسی مصاحبت با آنان را بکشایند و کتابهای دوره ابتدائی خواهد شد. دانش فرزندانشان را عملاً در

داوود غفار زادگان



تلاش برای صفحه ۳۱

موجب می‌شود که در جریان رشد کودک به اصل مهم تفاوت‌های فردی توجه نمائیم.
توجه به اصل تفاوت‌های فردی و انطباق توقعات با تواناییهای کودکان، موجب بسوز همه امکانات درونی کودک می‌گردد و حصول به اهداف تربیتی را ممکن و آسان می‌سازد.

کاسم کاهانی مقدم

اداره نشریه و همچنین دارای نفوذ در همگروهان خویش می‌باشند.

آنچه که در پایان این مقاله کوتاه در مورد مشاهدات رفتار کودکان باید اضافه کرد اینست که مشاهده عمیق و منطقی رفتار کودک، شناخت دقیقی از علائق و استعدادهای کودک را دنبال دارد و این شناخت باعث می‌شود تا توقعات خویش را بر تواناییهای کودک منطبق سازیم و نیز